

بررسی مضامین و ابعاد عرفانی در حدیقة الحقیقة و منطق الطیر

دکتر محمد سیلاوی*

چکیده

عرفان و تصوف در ادبیات فارسی واژه‌های خاصی دارد که عارف از کلماتی مانند: بت، زنار، مغ، معشوق، خال، زلف، صنم، می، میخانه و... حرف می‌زند و مرادش از این واژه‌ها، همان معنی ظاهری نیست؛ بلکه قصد معانی دیگری دارد و همانا تمثیل و حکایات در عرفان مورد توجه عارف بوده است، تا به معبود او می‌رسد. سیر و سلوک متصوف در میان مردم جنبه‌های مثبتی دارد که او با فضائل و اخلاق پسندیده و محبت، دیگران را جلب می‌کند.

عرفان واژه، بیان ادبی و اصطلاحات خودش را داراست که همین ویژگی‌ها سبب تفاوت ادبیات عرفانی در یک کشور می‌شود و حتی در یک مکتب عرفانی تصرف ادبی و زبانی متفاوت در شعر و غزل عرفانی شکل‌های گوناگون دارد و هر عارف از زبان و ادبیات خاصی در بیان عقاید و خصوصیات خود برخوردار است.

کلیدواژه: عطار، سنایی، عرفان، مضامین، منطق الطیر، حدیقة الحقیقة.

*. استادیار زبان و ادبیات فارسی؛ دانشگاه بغداد، دانشکده زبان‌های خارجی، گروه زبان و ادبیات فارسی.

(dr. msilavi@yahoo. Com)

مقدمه

رمز و کنایات در ادبیات عرفانی برای آن صورت می‌گیرد تا جمال معانی از دید بیگانگان و کسانی که به این مسلک کار ندارند، پوشیده بماند. عرفان و تصوف در ادبیات فارسی واژگان خاصی دارد، که عارف از کلماتی مانند؛ بت، زنار، مغ، معشوق، خال، زلف، صنم، می، میخانه و... حرف می‌زند، و مرادش از این واژه‌ها همان معنی ظاهری نیست؛ بلکه قصد معانی دیگری دارد و همانا مفاهیمی از تمثیل و حکایات در عرفان مورد توجه عارف بوده است، تا به معبود او می‌رسد. سیر و سلوک متصوف در میان مردم جنبه‌های مثبتی دارد که او با فضائل و اخلاق پسندیده و محبت، دیگران را جلب می‌کند.

عرفان واژه بیان ادبی و اصطلاحات خودش را دارد که همین ویژگی‌ها سبب تفاوت ادبیات عرفانی در یک کشور می‌شود و حتی در مکاتب عرفانی تصرف ادبی و زبانی متفاوت در شعر و غزل عرفانی شکل‌های گوناگون دارد و هر عارف از زبان و ادبیات خاصی در بیان عقاید و خصوصیات خود برخوردار است؛ ولی روش استفاده از واژه‌ها و کلمات را در بیان عرفان خود انتخاب می‌نماید، مانند آن چه در *حدیقه الحقیقه* و *منطق الطیر* آمده است.

اگر در *حدیقه الحقیقه* و *منطق الطیر*، به کارگیری ادب و زبان را مورد توجه قرار بدهیم، متوجه این تفاوت خواهیم شد؛ بنابراین می‌توان گفت تفاوت قوت یک اثر عرفانی در ارائه تفکر و عقاید، نه بلکه در تصرف زبانی عارف در عرصه ادب و بیان عرفانی می‌باشد. به این معنا که عارف تا چه اندازه با زبان برخوردار هنرمندانه کرده است و چقدر توانسته است مفاهیم ادبی را با تصرفی که در عرصه زبان کرده، خلق کند.

این مقدمه برای ورود به برخی تفاوت‌های میان دو اثر ادبی - عرفانی حدیقه الحقیقه و منطق الطیر ابراز شد و برداشت‌های ادبی عرفانی آنها مورد بحث و بررسی قرار گرفت تا به خصوصیات هر یک از آنها و تفاوت عرفانی و ادبی هر دو عارف پردازیم.

سبک و تفکر سنایی و عطار

الف. ابوالمجد مجدود بن سنایی

«اشعار دیوان سنایی را تا سی هزار بیت نوشته‌اند و امروز بعضی مصادر به دوازده هزار و بیشتر رسیده است. شامل قصاید، غزلیات، رباعیات قوی و محکم و اشعار روان و پخته است. در مثنوی‌های سنایی، خصوصاً حدیقه الحقیقه بیشتر توجه به معنی تا به لفظ بوده است. سنایی نخستین شاعر متصوف خراسان محسوب می‌شود. قبل از او هیچ کسی به استحکام، سلامت معنی و صفای کلام در نظم غزلیات او، شعر نگفته است و حتی شاعران بزرگ عرب زبان، در مناظره میان فرزدق و جریر از نام سنایی غزنوی نام برده‌اند. چون سنایی در زمان خود، شاعر بزرگ فارسی‌زبان و عارف مشهوری است.» (سنایی، ۱۳۵۹، ص ۳۴)

سنایی در دوره خود با استقلال، مضامین و اشعار عرفانی ساخت، که در مثنوی و دیوان او ذکر شده است. او همیشه در اشعارش به صفای نفس، ترک غرور و ریاکاری دعوت می‌کرد. خود در سیر به مقام تزکیه نفس و معالی اخلاق رسیده است. در آثارش عشق و هیام به حق متعال ظاهر است. در هر کاری خدا را در نظر می‌گیرد و از دیگران انتظار خوبی ندارد:

من از آتش عشق هم نرم گزدم
اگر چه ز پولاد سخت است لادم
منم بنده عشق تا زنده باشم
اگر چه ز مادر من آزاد زادم

ز نیک و بد این و آن فارغم من
 بر این نعمت ایزد زیادت کنادم
 ز کس خیر و خوبی نباشد نخواهم
 بدانچم بود با همه خلق رادم

(سنایی، ۱۳۵۹، ص ۴۳)

در اشعار سنایی شکایت از ظاهرپرستی و ریاکاری، بدخواهی و همه اخلاق و صفات ناپسندیده مردم نمایان است و او همیشه مسلمانان را به اتباع حق و کسب سیر و سلوک ایمانی و عرفانی دعوت می‌نماید.

ب. فریدالدین عطار

عطار یکی از ضلع‌های مثلث شعر تصوف فارسی است، که دو ضلع دیگر آن، سنایی و مولوی هستند. کدکنی درباره آنها می‌گوید: «اگر قلمرو شعر فارسی را به گونه‌ی مثلثی در نظر بگیریم، عطار یکی از ضلع‌های این مثلث است و دو ضلع دیگر عبارتند از سنایی و مولوی. شعر عرفانی به اعتباری از سنایی آغاز می‌شود، در عطار به مرحله‌ی کمال می‌رسد و اوج خود را در آثار جلال‌الدین مولوی می‌یابد. پس از این سه بزرگ، آن‌چه به‌عنوان شعر عرفانی وجود دارد، تکرار سخنان آنهاست.» (عطار، ۱۳۸۳، ص ۱۴)

عطار یکی از بزرگ‌ترین شاعران عرفان و تصوف ادبیات ایران محسوب می‌شود، که سالکان تصوف و راهیان حقیقت را راهبری کرده است. عطار از خصوصیات کلمات خوب استفاده کرده و بدون آرایش و پیرایش، مهارت کم‌نظیر خود را در اشعار و قصاید تصوف به نمایش گذاشته است. جلال‌الدین رومی، سنایی و عطار را به روح و چشم تشبیه می‌کرد:

عطار روح بود، سنایی دو چشم او
 ما از پی سنایی و عطار آمدیم
 (حکیمی، ۱۳۸۶، ص ۲۴)

شعر عطار غالباً صوفیانه است. در غزل او مضامین سنایی و روانی انوری دیده می‌شود؛ اما عرفان او از سنایی پیشرفته‌تر است. بسیاری از اصطلاحات عرفانی مثل میکده، پیر مغان، خرابات و... که بعدها در غزل امثال حافظ دیده می‌شود، در عطار هم هست.

«غزلیات او را می‌توان به سه نوع عاشقانه، عرفانی و قلندری تقسیم کرد. غزل قلندری در حقیقت از فروع غزل عرفانی است، تکیه آن بر ضد متعارفات سخن گفتن و به دنبال بدنامی عرفان است. شاعر ظواهر شریعت را به هیچ می‌گیرد. غزل قلندریه را ظاهراً اول بار سنایی آغاز کرد و بعد از او دیگران به آن پرداختند. عطار علاوه بر غزل در مثنوی و رباعی هم دست داشت؛ اما به سنت صوفیه به فنون شاعری چندان اهمیت نمی‌داد و بیشترین تکیه او بر معنی بود.» (جلالی، ۱۳۸۴، ص ۹)

شاعران صورت‌گرا که شاعری حرفه‌آنها بوده است با شاعران معناگرا که اصولاً اهل تصوف و عرفان هستند، تفاوت دارند. یکی از کسانی که به صورت‌گرایی و معناگرایی اهمیت می‌دهد، حافظ بوده که این دو حالت در غزلیاتش مورد استفاده بود؛ اما غزلیات عطار سمبلی و تمثیلی است که معانی ابهام دارد و این یکی از ابتکارات عطار است که احتیاج به تأمل و دقت در مفهوم آنها دارد:

منم آن گبر دیرینه که بت‌خانه بنا کردم
شدم بر بام بت‌خانه درین عالم ندا کردم
صلای کفر در دادم شما را ای مسلمانان
که من آن کهنه بت‌ها را دگر باره جلا کردم
به بگری زادم از مادر از آن عیسیم می‌خوانند
که من این شیر مادر را دگر باره غذا کردم
اگر عطار مسکین را درین گیری بسوزانند
گوا باشید ای مردان که من خود را فنا کردم

(عطار، ۱۳۸۳، ص ۲۲)

جایگاه حدیقه‌الحقیقه و منطق‌الطیر در عرفان

الف. سنایی غزنوی:

سنایی اولین کسی است که مثنویات تعلیمی در غزلیات و قصاید او نمود کرده و شعر تعلیمی را او به مضامین تمثیلی و تغزلی در آورده است.

«سنایی غزنوی نه تنها شعر تغزلی صوفیانه را در ادبیات فارسی آغاز کرده؛ بلکه مثنویات تعلیمی او از جمله حدیقه‌الحقیقه، اولین و جالب‌ترین تجربه در زمینه ابداع شعر تعلیمی آمیخته با مضامین تمثیلی و تغزلی است. بنابراین می‌توان گفت که سنایی از اولین کسانی است که کتاب منظومی را در مسایل زهد، عرفان و اخلاقیات عرفانی و صوفیانه ارائه کرده است». (اشرف‌زاده، ۱۳۵۸، ص ۲۲)

نخستین بنیان‌گذار از نظر تاریخ تصوف و عرفان سنایی است، که با اصطلاحات تصوف وارد شعر می‌شود و شعر عرفانی در ادبیات فارسی گسترش می‌یابد. مولوی در این باره چنین گفت: عطار، روح بود و سنایی دو چشم او / ما از پی سنایی و عطار آمدیم. (مولوی، ۱۳۷۴، ص ۲۸)

هر چند قبل از سنایی ترانه‌ها و غزل‌های صوفیانه کم و بیش در ادبیات فارسی وجود دارد؛ ولی با سنایی اصطلاحات تصوف در غزل او با جنبه‌ای تازه، روان و محکم در ادبیات فارسی ایجاد شد.

«از جمله در اشعار ابوسعید ابی‌الخیر (وفات ۴۸۱ هـ. ق)؛ عین‌القضاة همدانی (مقتول ۵۲۵ هـ. ق) و خواجه عبدالله انصاری هروی (وفات ۴۸۱ هـ. ق) ترانه‌ها و غزل‌های صوفیانه تبارز یافته است؛ اما این شیوه را سنایی گسترش بسیار داد و طبع خود را در پیچ و خم نکات مشکل ذوقی و عرفانی انداخت. تا این که این طریقه را در ادبیات فارسی به یک مکتب، ارتقا بخشید». (حلبی، ۱۳۳۸، ص ۹)

«محققان سال تولد سنایی را، ۴۳۷ هـ. ق، دانسته‌اند. البته این سال تنها در ریاض العارفین آمده است؛ اما دیگران سال تولدش را بین ۴۶۳ تا ۴۷۳ هـ. ق دانسته و سال وفات سنایی را بین سال ۵۲۹ تا ۵۳۵ هـ. ق قبول کرده‌اند». (دانش پژوه، ۱۳۴۴، ص ۱۵)

ب. عطار نیشابوری:

عطار نیشابوری از بزرگان شعر تصوف ادبیات فارسی و به حق وارث عرفان سنایی است. عطار شاعر و غزل‌سرای مهم و ویژه در اشعار صوفیانه است که به عبارت دیگر می‌توان گفت او مکمل تصوف سنایی است؛ ولی بیشتر مضامین عرفانی در مثنوی منطق الطیر در ابهام نهفته نیست و این دلیل قوه و هنر شاعر در توصیف کلمات ویژه در اشعار عرفانی او است.

اطلاعات درباره مولانا صد برابر چیزی است که درباره عطار می‌دانیم. آگاهی درباره سنایی که یک قرن قبل از عطار می‌زیسته، بسی بیشتر از آن چیزی است که از زندگی عطار می‌دانیم. نه سال تولد او به درستی روشن است و نه سال وفات او. این قدر می‌دانیم که او در نیمه دوم قرن ششم و ربع اول قرن هفتم می‌زیسته، اهل نیشابور بوده است و چند کتاب منظوم و یک کتاب به نثر از او باقی است. نه استادان او، نه معاصرانش و نه سلسله مشایخ او در تصوف، هیچ کدام، به قطع روشن نیست.

«از سفرهای احتمالی او هیچ آگاهی نداریم و از زندگی شخصی و فردی او، زن و فرزند، پدر و مادر و خویشان او هم اطلاع قطعی وجود ندارد. در این باب هر چه گفته شده است، غالباً احتمالات و افسانه‌ها بوده است». (عطار، ۱۳۸۳، ص ۱۱)

اطلاعات کاملی درباره زندگی و آثار عطار در دست نداریم و هر چه به دست آمده، بیشتر مبهم است و یا اطلاعاتی قطعی وجود ندارد؛ ولی عطار موقعیت بینابین سنایی و مولوی است. عطار تحولی در ادبیات عرفان فارسی به وجود آورده و زندگی زاهدانه و عارفانه ذوقی را تجربه کرده است.

ارزش عرفانی حدیقه‌الحقیقه و منطق‌الطیر

الف. حدیقه‌الحقیقه:

حدیقه‌الحقیقه یکی از آثار حایز اهمیت در تاریخ ادبیات فارسی است که از جهت گونه الفاظ و معانی در نوع خود شبیه ندارد و سنایی همه قدرت و قابلیت او را در الهی‌نامه به کار برده است.

«گنج گرانمایی از حکمت یعنی نکته‌سنجی در مباحث دینی و مبانی اخلاقی پرداخته، که نظیر آن کمتر دیده شده و شاید بتوان گفت که در جزالت معنا و حسن سبک و ارسال مثل و اشتمال بر معانی سودمند و تمثیلات روی هم رفته، چنین کتابی تنظیم نیافته است.» (حلبی، ۱۳۳۸، ص ۱۴)

حدیقه‌الحقیقه شامل ده باب و ده هزار بیت در مدح بزرگان دین و ادب و بیان صفات ذات خدا است:

عددش هست ده هزار اییات

همه امثال و پند و مدح و صفات

(همان)

کتاب حدیقه‌الحقیقه یا الهی‌نامه با اصول شریعت و دین نوشته شده است. ولی بعد از انتشار این کتاب در غزنه، بسیاری از عالمان به سنایی طعن زدند و اعتراض کردند.

«سنایی کتاب را نزد برهان‌الدین علی بن حسین غزنوی معروف به بریان‌گر وفات، ۵۵۱ هـ. ق به بغداد فرستاد. این عالم کتاب را و عقاید سنایی در کتاب را طبق شریعت دانست، بنابراین سنایی از اعتراض عالمان و متشرعین غزنه براثت پیدا کرد.» (حلبی، ۱۳۳۸، ص ۱۷)

الهی‌نامه موافق موازین اخلاقی و تعلیمی با اصول دین و شریعت تدوین شده است. سنایی از عبارات، کلمات و مفاهیم تصوف استفاده کرده است و یک فصل خاص را به

عشق و محبت اختصاص داده که شامل دیدگاه خود در عرفان است. ضمناً این کتاب کاملاً عرفانی نیست؛ ولی نخستین آثار منظوم تصوف در ادبیات فارسی به شمار می‌رود.

ب. منطق الطیر:

یکی از مشهورترین آثار عطار منطق الطیر است. هنر او بیان زیبا و محکم در قصه‌های این مثنوی است و وی به شکل تمثیلی و رمزی معانی گوناگونی به نام رساله الطیر به وجود آورد. گویند برادرش شیخ احمد آن را از عربی به فارسی نقل و به احتمال قوی همین نقل فارسی، مأخذ عطار در نظم آن بوده است.

عطار منطق الطیر را کاملاً عرفانی بیان کرده است و مهم‌ترین آثار منظوم عرفانی ایرانی است. عطار در عرفان موقعیت بینابین دارد، همان‌طور نیز منطق الطیر در عرفان و ارزش‌ها، موقعیت میانی دارد؛ یعنی بین حدیقه الحقیقه سنایی از یک طرف و مثنوی معنوی مولوی از طرف دیگر است. در حقیقت منطق الطیر بزرگ‌ترین اثر عرفانی بعد از مثنوی معنوی مولانا است؛ ولی عطار ویژگی خاصی دارد که آثار عرفانی او متمایز از آثار دیگران است.

«منطق الطیر حاوی چهار هزار و چهارصد و پنجاه و هشت بیت است. لازم به یادآوری است که داستان‌های عرفانی منطق الطیر بر پایه نماد مرغ به وجود آمده است.» (عبد القیوم، ۱۳۳۴، ص ۱۳)

اصطلاحات عرفان حدیقه الحقیقه و منطق الطیر

منطق الطیر عمده‌ترین آثار منظوم عرفانی مثنوی به زبان فارسی است. عطار با هنر سمبلی و تمثیلی، خیلی خوب از مقامات طيور، مراحل و منازل سیر و سلوک عرفانی بهره برده و در تصوف و ادبیات فارسی شعر رمزی و سمبلیک را بنیان نهاده است.

«پیوستگی و تسلسل منطقی قصه‌ها و حکایات اصلی و فرعی و تلفیق آنها به نحو شایسته و با بیان گیرا و روان، دوری جستن از صنعت‌گرایی‌ها، این مثنوی را ویژگی مشخص داده است. از این جهت است که آن را عمده‌ترین اثر منظوم عرفانی در مقامات طیور می‌دانند.» (همان)

عطار یکی از شاعران صوفی و مردی عارف است که اشعارش شامل عشق، شور و شوق است که با زبان سادگی و بی‌تصنع به تازیانه سلوک دست یازیده است، مانند:

«روشن، شور، شوق، وجد و حال، او یک شاعر پخته صوفی است. شیخ عطار سراینده دردهای عارفانه است و از این روست که سخنش را با وجود سادگی و بی‌تصنعی که دارد، تازیانه سلوک خوانده‌اند.» (عبد‌القیوم، ۱۳۳۴، ص ۱۳)

حدیقه‌الحقیقه مهم‌ترین آثار ادبی صوفیانه به زبان فارسی است. غزلیات سنایی شور و لحن قلندری دارد. او سنن ادبی و فنون شعری دیگران قبل از خود را تقلید کرد. وی شورانگیزی عطار و مولوی را ندارد. سنایی به قالب شریعت در غزلیات صوفیانه مقید بوده است و تندروی‌های دیگران در سخن او یافت نمی‌شود. حدیقه‌الحقیقه سنایی اولین منظومه غزلی مهم تصوف است. او در بیان عقاید و تعالیم به ذکر قصص و تمثیلات پرداخته، خصوصاً حکایاتی از احوال مقامات کهن صوفیه و زهد با اختصار تمام آورده است.

«و نیک در بیان مقصود برخلاف عطار و مولوی، چندان به قصه‌پردازی علاقه نداشته و به خوبی و دل‌کشی آنها نیز از عهده تمثیل و تفصیل بر نمی‌آمده است. کتاب حدیقه و سایر مثنویات سنایی در بیان عقاید و آرا صوفیه کم و بیش در حدود ظواهر شریعت است و از تندروی‌های عطار و مولوی خالی است.» (آریا، ۱۳۸۱، ص ۹۵)

باید سنایی را نخستین کسی بدانیم که عرفان را به صورت جدی در شعرهایش آورده است؛ اما عرفان او زاهدانه بود و عرفان عطار ذوقی بود. عطار نسبت به عرفان پیش از خود ابتکاراتی دارد، مثلاً به جای مقامات از وادی‌ها استفاده می‌کند. معنای وادی، بیابان‌های سنگلاخ است، این وادی‌ها عبارتند از: طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فقر و

فنا. طلب، شوق اولیه است و بعد عشق؛ از این رو، وادی‌های او ذوقی و عاشقانه هستند و به همین خاطر، وادی‌های او را هفت شهر عشق نامیده‌اند.

مسأله مهمی که در عرفان پیش از عطار مطرح بوده است، تفاوت میان انسان و فرشتگان، عشق است که انسان عشق و محبت را احساس و قبول می‌کند؛ ولی فرشتگان چنین نیستند. حافظ در این باره می‌گوید:

فرشته عشق را نداند که چیست ای ساقی

بخواه جام و گلابی به خاک آدم ریز

(حافظ، ۱۳۸۵، ص ۲۶۶)

عطار بر عکس اعتقادات دیگران و قبل از حافظ است و می‌گوید: «عطار معتقد است فرشتگان هم مثل انسان‌ها عاشق خداوندند و اگر عشق نداشتند، این گونه حول عرش الهی نمی‌گشتند. چیزی که انسان دارد و فرشته ندارد، از نظر عطار، درد است. بنابراین عرفان عطار از یک سو عرفان گذشته را در خود دارد و از دیگر سو، ابتدایی برای عرفان آینده است، آینده‌ای که در آن مولوی باید خودش را بیابد». (اشرف‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۹۸)

این مقایسه‌ای میان حدیقة الحقیقه و منطق الطیر از نظر عرفان به وجود می‌آورد، که تفاوت نظرات و تصورات عرفان با سنایی است. سنایی اصطلاحات عرفانی در مقامات قبلی را که مطرح بوده، پذیرفته است؛ ولی عطار این اصطلاحات را به شکل دیگری به کار برده. مانند مقامات که وادی نامیده است، مولوی می‌گوید:

هفت شهر عشق را عطار گشت

ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم

(عطار، ۱۳۸۳، ص ۲۲)

ویژگی‌های عرفان در منطق‌الطیر

۱. وحدت حال و تجربه در غزل عرفانی، که عطار همیشه رعایت می‌کرد. «اول این که عطار نوعی وحدت حال و وحدت تجربه را در غزل‌هایش رعایت می‌کند، یعنی غزل او حول یک محور می‌چرخد و مسلسل است. مثلاً دل را محور غزل قرار داده و تمام ابیات را پیرامون آن نظم می‌دهد. در واقع غزل او از ابتدا تا آخر مثل یک داستان است.» (آریا، ۱۳۸۱، ص ۹۵)

۲. بدون اصطلاحات عرفانی، غزلیات عرفانی می‌گوید. «دوم این که اصطلاحات عرفانی را به کار نمی‌گیرد، اما غزل‌هایش کاملاً عرفانی است. چنان احاطه‌ای به عرفان دارد که لازم نمی‌بیند عرفانی را وارد شعر کند. مطلب را به زبان ساده می‌گوید؛ ولی خود مطلب عرفانی است.» (همان)

شعر عطار از اول تا آخر عرفانی است و اصطلاحات خاص عرفانی که دیگران در شعرشان وارد می‌کنند در شعر او موجود نیست؛ ولی شعرش سادگی ادبی، بیانی و اصطلاحات عرفانی ویژه خود را دارد.

اما در مثنوی *حدیقه/الحقیقه* سنایی از اصطلاحات و عبارات اخلاقی و تعلیمی با ظاهر شرعی استفاده شده است و کلمات عرفانی قبل از خود را قبول دارد، به‌ویژه اصطلاحاتی که در زمینه سیر و سلوک مطرح است.

عطار در اصطلاحات عرفان تجربه جدید و نیز در این زمینه ابتکاراتی داشته است. اگر دو اثر را کنار هم بگذاریم اختلافات در اصطلاحات عرفانی میان آنها معلوم می‌شود و این نتیجه اختلاف نظرات و تفکرات هر دو متصوف هستند: «چنان که بیان شد سنایی اصطلاحات عرفانی پیش از خود را تأیید کرده است. این اصطلاحات را می‌توان چنین برشمرد: حال، مراقبه، محبت و عشق، حال قرب، خوف، رجاء، شوق، انس، اطمینان، مشاهده و حال یقین.» (علی آریا، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱)

مورد مهم اختلافات عطار با سنایی در اصطلاحات عرفانی است که عطار به جای مقامات، اصطلاح وادی را به کار برده و اصطلاحات دیگری از تصوف را نیز استفاده کرده است، مانند: «که می توان این را از جمله ابتکارات عطار در عرفان دانست. اصطلاحاتی که عطار به کار برده، این ها است: طلب، عشق، معرفت، استغناء، توحید، حیرت، فقر و فنا. این اصطلاحات عرفانی را که عطار در منطق الطیر به کار برده، عارفان آن را هفت شهر عشق عطار نامیده اند.» (همان، ص ۱۱۹)

نتیجه

۱. سنایی بیشتر در اشعارش توجه به معنی تا به لفظ کرده است، سنایی را می توان اولین شاعر نامی تصوف در خراسان نامید. قبل از او کسی در مذهب عرفان با استحکام و صفای کلام با نظم سخن پردازی نکرده است؛
۲. سنایی در عرفان با استقلال مضامین، اشعار عرفانی ساخت که در دیوان و مثنوی های او مندرج است؛
۳. عطار یکی از ضلع های مثلث است که به مرحله کمال می رسد و اوج خود را در آثار مولوی می یابد؛
۴. عطار یکی از شاعران بزرگ تصوف و یکی از نام آوران تاریخ ادبیات ایران محسوب می شود؛
۵. در غزل های عطار مضامین سنایی و روانی انوری دیده می شود؛ اما عرفان او از سنایی پیشرفته تر است؛
۶. غزلیات عطار را می توان به سه نوع تقسیم کرد: عاشقانه، عرفانی و قلندری. غزل قلندری در حقیقت از فروع غزل عرفانی است؛

۷. غزلیات عطار تمثیلی یا سمبلیک است. سمبل در واژه‌ها است و تمثیلی در کل آثار او ظاهر است؛
۸. سنایی غزنوی در شعر تغزلی صوفیانه مثنویات تعلیمی را در ادبیات فارسی آغاز کرده است که این اولین و جالب‌ترین تجربه در زمینه ابداع شعر تعلیمی آمیخته با مضامین تمثیلی و تغزلی است؛
۹. کتاب *حدیقه‌الحقیقه* با بیان عرفانی ارائه شده است، ولی موضوع صددرصد عرفانی نیست؛ هر چند که آن نخستین آثار منظوم عرفانی در ادبیات فارسی است؛
۱۰. *منطق‌الطیر* در عرفان و ارزش‌های عرفانی موقعیت بینابین دارد، یعنی بین *حدیقه‌الحقیقه* سنایی و *مثنوی معنوی* مولانا است. باید گفت عطار در عرفان وارث سنایی است؛ ولی *منطق‌الطیر* را از دیگر آثار عرفانی متمایز می‌کند؛
۱۱. *مثنوی منطق‌الطیر* عمده‌ترین آثار منظوم عرفانی است. که مقامات طیور، مراحل و منازل سیر و سلوک عرفانی است که با شیوه رمزی و تمثیلی سروده شده است و خود عطار نیز شاعر صوفی و مردی عارف است؛
۱۲. کتاب *حدیقه* و سایر مثنویات سنایی در بیان عقاید و آرای صوفیه کم و بیش در حدود ظواهر شریعت است و از تندروی‌های عطار و مولوی خالی است.
- اهمیت نقش شعر عرفانی در فهم اصول نظری و عملی قابل توجه بیشتر است. بیان مقاصد و اغراض در آثار شاعران متصوف، سیر و سلوک عملی تصوف در شعر و غزلیات بوده است. غزلیات عرفانی حاکی از احوال عارف و خصوصیات او است. *حدیقه‌الحقیقه* سنایی و *منطق‌الطیر* عطار را باید نمونه موفقیت‌آمیز شعر و تصوف در اشاعه مفاهیم و اندیشه‌های عرفانی دانست. این دو اثر از نظرات و اصطلاحات متفاوت بهره برده‌اند. سنایی و عطار مورد توجه عارفان و ادیبان هستند که آنها را در چند نکته بیان کردم:
- نخستین: هر دو اثر در قالب مثنوی سروده شده است؛ دوم: همه توضیحات شاعران در بیان شعر غنایی عاطفی درون انسان است؛ سوم: زیبایی و ساخت کلام آنها ارجحیت کامل

دارد؛ چهارم: اهداف اخلاقی و عرفانی، پنهانی بوده است؛ پنجم: تحقق بخشیدن هدف عارفان بودند؛ ششم: غرض عارفان برای هدایت دیگران بودند؛ هفتم: حدیقه الحقیقه و منطق الطیر وی نمونه موفقیت آمیز شعر تصوف در اشاعه مفاهیم عرفانی هستند.


اما تفاوت دو اثر معنوی این است:

نخستین: اصطلاحات عرفانی حدیقه الحقیقه در ادبیات عرفانی، تعلیمی معمولی است؛ ولی عطار وحدت حال و تجربه را در غزل‌هایش رعایت می‌کند، منطق الطیر معنوی درونی است؛ دوم: حدیقه الحقیقه دارای بستری اخلاقی، ظاهر شرعی و صنعت ادبی است؛ ولی منطق الطیر سمبلی و تمثیلی در بیان اندیشه‌های عرفانی است؛ سوم: منطق الطیر دارای بستر زبانی ادیبانه با موضوع عرفانی است؛ اما حدیقه الحقیقه بستر زبانی ساده و روان دارد؛ چهارم: اصطلاحات عطار ابتکاری، رمزی و سمبلی است در حالی که اصطلاحات سنایی معمولی و تقلیدی است؛ پنجم: عرفان عطار ذوقی است، به‌ویژه در منطق الطیر که ویژگی‌های خود را دارد. سنایی اصطلاحات عرفانی در مقامات مطرح می‌کند؛ ششم: عطار اصطلاحات را طور دیگری به کار برده و مثلاً مقامات را وادی نامیده است؛ اما سنایی اصطلاحات عرفانی قبل از خود را مورد تأیید قرار داده، به‌ویژه در جایی که اصطلاحات در زمینه سیر و سلوک مطرح است.

منابع

- آریا، غلام علی. (۱۳۸۱)، کلیاتی در مبانی عرفانی و تصوف (چاپ سوم)، تهران: انتشارات پایا.
- اشرف زاده، رضا. (۱۳۸۵)، آب آتش افروز، گزیده حدیقه الحقیقه (چاپ نهم)، تهران: انتشارات جامی.
- جلالی بندری، یدالله. (۱۳۸۴)، مقاله سنایی و غزل‌های قلندرانه. دانشگاه یزد.
- حافظ شیرازی. (۱۳۸۵)، دیوان حافظ، به کوشش خطیب رهبر، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- حکیمی، محمود. (۱۳۸۶)، ما از پی سنایی و عطار آمدیم: نگاهی به اندیشه‌های تابناک مولوی، سنایی و عطار، تهران: انتشارات لوح زرین.
- خلیلی، خلیل‌الله. (۱۳۱۵)، احوال و آثار حکیم سنایی، تهران: انتشارات بیهقی.
- دانش‌پژوه، منوچهر. (۱۳۴۴)، گزیده حدیقه الحقیقه (چاپ دوم)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۴۴)، با کاروان حله، تهران: انتشارات علمی.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. (۱۳۵۹)، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. منطق الطیر، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: نشر سخن.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۳۸)، گزیده حدیقه الحقیقه، تهران: انتشارات طوس.

- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۱۲)، سخن و سخنوران، تهران: نشر سخن.
- قدیم، عبدالقیوم. (۱۳۱۲)، یادداشت‌های تدریس دوره ماستری (چاپ دوم)، تهران.
- محمدخانی، علی اصغر؛ فتوحی، محمود. (۱۳۸۵)، شوریده‌ای در غزنه: اندیشه‌ها و آثار حکیم سنایی، تهران: انتشارات سخن.
- مصاحبه به مناسبت بزرگداشت عطار با دکتر اشرف‌زاده. (۱۳۴۷)، از سایه تا خورشید، تهران: رادیو فرهنگ.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی